

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیوادوال کابلی

۰۸ اکتوبر ۲۰۱۲

تجاوز نظامی به افغانستان و اشغال آن را باید محکوم نمود!

به تاریخ هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ امپریالیزم امریکا و متحدین ناتوی آن با بهانه ساختن حمله بر برج های دوگانه نیویارک در ۱۱ سپتمبر همان سال ، طرح حمله نظامی به افغانستان و اشغال دائمی آن را که از سال ها بدانسوانکشاف داده بودند ، به منصفه اجراء گذاشته و تاریخ آغاز قرن بیست و یک را با فروریختن صد ها تن بم بر اطراف و اکناف خاک آبائی ما ، به عنوان یکه تاز میدان سفاکی و ددمنشی ثبت تاریخ بشریت نمودند. بمباران شدید و بیرحمانه قلمرو افغانستان که قربانیان بیشمار ملکی - با توجیه ردیلانه در هم کوبیدن "طالبان" ، "القاعده" و "تروریست ها" - به همراه داشت ، در عین حال زهرچشم قوئی بود به همه قدرت های خرد و بزرگ جهانی؛ یعنی چنان زهرچشمی تا در برابر زورگویی و سیاست استعماری امریکا به عنوان رقیب قرار نگرفته بلکه با اعتراف به برتری عام و تام نظامی و سیاسی امریکا و سرفرود آوردن به آن ، در صورت سهیم شدن در چپاول ثروت های طبیعی افغانستان و گرفتن مسؤولیت جنایت و کشتارباشندگان آن ، به راحتی و اعتماد کامل بتوانند با ائتلاف ننگین هجوم به افغانستان زیر نام نجات افغان ها از جنگال طالبان و «القاعده» ، آوردن «دموکراسی» به مردم من جمله «آزادی زنان» و «بازسازی» افغانستان به لشکر وحشی متمدن نمای امریکا ببیوندد.

چنانکه دیدیم نقشه های نو استعماری امریکا طبق آرزوی آن قدرت جهانخوار امپریالیستی پیش رفته و حتا با تأسف کشورهائی چون پولند که مردم آن به یمن مقاومت حماسی مردم دلیر ما طعم آزادی ورهائی از جنگال سوسیال امپریالیزم را چشیدند ، هم در قطار نوکران سرسپرده و پیاده نظام لشکر جانی و غارتگریانکی قرار گرفتند. ولی متحدین کشتار ، چپاول و غارت استعمار امریکا تنها در بیرون از افغانستان نبودند بلکه نوکران و سرسپردگان رسوا و بدنام امپریالیزم امریکا که اکثراً قلاده چندین قدرت استعماری و ارتجاعی جهانی و منطقه ئی را قبلاً برگردن های بدریخت و پیرازنگ خود تجربه نموده بودند ، هم در صف طویل - به سان همتاهای «خلقی» - پرچمی شان در زمان اشغال افغانستان توسط اردوی سوسیال امپریالیزم و نصب «شاه شجاع ثانی» - بیصبرانه چشم در راه قوای متجاوز و اشغالگر بودند تا «حیات» دوباره سیاسی برای قتل و غارت یافته و طرح های خائنانه و جنایتکارانه ای را که

از حامیان منطقه ئی خود دستور گرفته بودند ، اینبار زیر نظارت مستقیم حامیان حامیان خود ، باخاطر راحت به اختتام رسانند که البته در ارتکاب خیانت و جنایت به نفع باداران خارجی خود تنها نبودند.

امپریالیزم امریکا که برای تحکیم نقشه های استعماری خود و «واقعیت بخشیدن» به صحنه سازی های «مبارزه با تروریسم» ضرورت اشد به تهدید و سرکوب فوری مخلوقات دیگر خود - طالبان - و سرنگونی رژیم شان داشتند ، مجریان گوش به فرمان و مطیع خود را در «اتحاد شمال» که ترکیبی از جهادی های جمعیتی به خصوص طرفداران احدشاه مسعود - «خلق» - پرچمی ها ، ملیشه دوستی و امثالهم بود ، تشخیص داده و آنها را به عنوان نیروی داخلی جاده صاف کن استعمار به کار گرفتند. البته همه نوکران مهاجمین متجاوز و اشغالگرتنها همین ها نبودند بلکه از سالیان درازی به آنسو ، استعمار در بخش دیگری از ارتجاع دست پرورده خود که عمدتاً از قشر روشنفکر تعلیم یافته و تحصیل کرده امریکا و اروپا و اعضای آشکار و پنهان دستگاههای جاسوسی خارجی بودند ، سربازگیری نمود. هدف امریکا و متحدین از به کار بردن این قماش جواسیس خانه زاد، این بود تا برای خیمه شب بازی «آوردن دموکراسی به افغانستان» ، عروسک های «آبرومند» ، قابل نمایش و «مورد قبول» جامعه مدنی داشته باشند. این مضحکه تا آن جایی پیش رفت که حتا پکول پوش ها و دستارپوش های شناخته شده ، دریشی و نکتائی به تن کرده و از حنجره بدصوت شان «فریاد دموکراسی» بلند می شد.

امپریالیزم امریکا و متحدین برای آن که بتوانند برای خیمه شب بازی رسوای «دموکراسی» خویش سقف دائمی به وجود آورند ، همه «فریادگران دموکراسی» را در طویله ای گردآوردند و بر آن «مجلس نمایندگان» نام گذاشتند که تا امروز برای دوام نمایشنامه «دموکراسی» ، سم زرین های قلاده به گردن به نفع این یا آن قدرت جهانی و منطقه ئی ، به همدگر لگد حواله نموده و یا هم بر یکدیگر دندان فرو می برند؛ که البته به مصداق گفته معروف «درمانده و درمانده طلب» ، در آن جمع می توان از هر قماش خائن و وطنفروش: روس بچه های حزبی و ملیشه یتیم ، جهادی ها و جنگ سالارهای سکه و اندروبو روکرات ها و روشنفکران نو به دوران رسیده زیر حمایت اشغالگران جدید را سراغ نمود. آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته و یا هم در اثر تزویر و رسم پاشی وسیع امپریالیست های مختلف و نوکران شان جبراً در پرده نسیان مستور می شود ، این واقعیت تلخ است که بین شاه شجاع انگلیسی ، شاه شجاع روسی و شاه شجاع امریکائی از نگاه سرشت و ماهیت ارتجاعی ، خفت ، انقیاد طلبی ، وطنفروشی و خیانت ملی هیچ گونه تفاوتی موجود نیست و این فقط تفاوت ولینعمتان استعماری مختلف در مقاطع مختلف زمانی است که آنها را از هم متمایز می سازد و بس.

بعد از گذشت یازده سال اشغال ، امپریالیزم امریکا ، متحد محیل و کهنه کار انگلیسی آن و دیگر متحدین اروپائی و ناتوئی آن ، به غیر از تحمل مصارف سرسام آور نظامی ، از دیاد بیش از پیش تعداد کشته و زخمی شان در افغانستان و ضدیت روزافزون مردم شان با دوام جنگ در افغانستان به دلیل تلفات و هزینه آن ، هیچ پیروزی و دستاوردی نداشته ، هر روزی که می گذرد ، رسوائی تازه ای در افغانستان برای شان رقم زده شده و نقاب از سیمای کثیف و جنایتکارشان برداشته می شود. در این میان هنوز هم هستند عناصر خود فروخته و اجیری که همزمان با ادعای پیشرفته دفاع از وطن ، روشنفکر بودن و «وطنپرست» بودن ، با مداری گری سیاسی و عوامفریبی ، به دفاع از اشغال و اشغالگران برخاسته و بر رخسار خشن واکراه آور استعمارگران سُرخاب «مدنیست» ، «بشردوستی» و «دموکراسی» می زنند. این مُهره های بی اراده دست استعمار که اکثراً با پشتاره ای از جنایت و خیانت در حق مردم در سه دهه اخیر به زیر بال اشغالگران پناه برده اند ، باید متیقن باشند که دیگر روند شکست و سقوط امپریالیزم در افغانستان از مدتهاست آغاز شده و فقط نقش عامل زمانی است که در تسریع آن مؤثر خواهد بود. ولی با آنهم ،

احساسات ، تمایلات و واکنش های منفرد حاضر به ضد اشغالگران در بین مردم ، فقط و فقط با انسجام ، بسیج و رهبری در یک ستاد ملی - انقلابی واقعی ، متعهد و جانبازی می تواند نوید راستین برای برانداختن سلطه استعمار و ارتجاع و ایجاد یک افغانستان واقعاً آزاد و روبه پیشرفت باشد. هیچ افغانی نمی تواند بدون محکوم نمودن تجاوز نظامی امریکا و متحدین ، و اعتراف به تحت اشغال و مستعمره بودن افغانستان ، ادعای وطندوستی و وطنپرستی نماید!

مرگ بر اشغالگران امپریالیست!
مرگ بر ارتجاع چند سرچاکر اشغالگران!
زنده باد مردم غیور و تسلیم ناپذیر افغانستان!
پیروز باد مقاومت فزاینده به ضد اشغالگران و نوکران بومی شان!

هیوادوال کابلی

۷ اکتوبر ۲۰۱۲